

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال یکم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴

نمونه‌هایی از گروه غیر یهودی تباران به یهودیت در جهان باستان

امیر اردلان کوزه‌گر کازرونی^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۷

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۸

چکیده

یهودیت دینی غیر تبلیغی است و به‌طور معمول داشتن تبار یهودی دلیل بر یهودی‌بودن یا نبودن یک فرد است. از همین‌رو گروه به دیانت یهودی در طول تاریخ بسیار به‌ندرت دیده شده‌است. با توجه به تنوع نژادی امروزی یهودیان و همچنین وجود دولت‌های یهودی با سابقه غیر یهود این پرسش مطرح می‌شود که آیا این قاعده همواره رعایت شده‌است؟ نمونه‌هایی منحصر به فرد از پیوستن به این دیانت کهن در تاریخ دیده شده‌است. در این مقاله سعی شده به سه نمونه از این گروه‌ها به دیانت یهودی در عصر باستان پرداخته شود: پادشاهی آدیابن (در حدود کردستان عراق کنونی، در مرزهای ایران و ترکیه)، خزرستان (در شمال قفقاز و فاصله میان دریای مازندران با دریای سیاه) و در میان خاندان حمیری یمن.

آدیابن دولتی خودمختار بود که در اوایل قرن یکم میلادی دین یهودیت را به‌عنوان مذهب رسمی پذیرفت و تا حدود صد سال پس از آن که رومی‌ها این دولت را سرنگون ساختند، یهودیت همچنان مذهب رسمی آنان بود. خاندان حمیری یمن دودمان حاکم قدیمی یمن بودند که در قرن چهارم میلادی به یهودیت گرویدند و تا سده ششم میلادی که مسیحیان حبشی یمن را فتح نمودند، یهودیت همچنان دین حاکمان این سرزمین بود و سرانجام خزرها که مردمانی بدوی و آلتایی تبار بودند. آنان در قرن هشتم میلادی یهودیت را به‌عنوان دین رسمی خزرستان پذیرفتند و تا فروپاشی این کشور در قرن دهم میلادی، دست‌کم اسماً بر این دین بودند.

واژگان کلیدی: یهودیت، حمیری، آدیابن، خزر، تاریخ یمن.

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان از دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد ardalankoozegar@yahoo.com

مقدمه

یهودیت یکی از دین‌های بسته غیرتبلیغی محسوب می‌گردد، بدین معنا که برای یهودی بودن اعتقاد دینی کافی نیست و فرد می‌بایست یهودی‌زاده باشد تا از ملت یهود شمرده گردد. به عبارت دیگر برعکس ادیانی چون دین اسلام و مسیحیت، درهای این دیانت بر روی نایهودی‌تباران بسته است. البته درباره مفهوم یهودی و این که چه کسی را می‌توان یک یهودی دانست همواره بحث بوده است، آنچنان که برای نمونه نازی‌ها افرادی را که از سوی یکی از والدین تباری یهودی داشتند مورد تعقیب قرار می‌دادند، ولی پیش می‌آمد که برخی از همین نگون‌بختان از سوی جامعه یهودی؛ غیریهودی دانسته می‌شدند. به‌رروی قصد این مقاله بررسی این مسئله و هویت یهودی نیست. غرض اشاره به غیرتبلیغی بودن این آیین و انحصارش در میان نیاکان عبرانیان نخستین در طول تاریخ بوده است؛ با این همه چند مورد کوچک ولی جالب توجه از گروه غیریهودیان به یهودیت در تاریخ موجود است که این مقاله می‌کوشد تا به اختصار بدین موضوع بپردازد.

یهودیت در آدیابن

منطقه باستانی آدیابن در حدود کردستان عراق کنونی قرار داشت. در نیمه اول قرن یکم میلادی، اهالی این منطقه یهودیت را به‌عنوان دین خود پذیرفتند.^۱ از تاریخ اولیه پادشاهان آدیابن اطلاعات دقیقی در دست نیست. اینان خراج‌گزار اشکانیان بودند، ولی همانند بسیاری از پادشاهان محلی در روزگار اشکانی دارای خودمختاری بودند. نیرومندترین پادشاه آدیابن ایزاتس (عزت) نام داشت که میان سال‌های ۳۶ تا ۶۰ میلادی فرمان‌روایی نمود. در دوره او آدیابن به حداکثر اقتدار رسید، آنچنانکه با یاری ایزاتس اردوان سوم-پادشاه معزول اشکانی- دوباره تاج‌وتخت از دست رفته‌اش را بازیافت. این عزت و هم‌چنین مادرش هلنا نخستین افرادی بودند که یهودیت را در خاندان سلطنتی آدیابن پذیرفتند. به نظر می‌رسد که این دو زمانی که در میشان (در خوزستان) حضور داشتند به‌واسطه بازرگانی یهودی به این دین گرویده‌باشند.^۲ گرچه به نظر می‌رسد همسایگی این منطقه با سرزمین یهودی‌نشین نصیبین، پیش‌تر تمایلاتی از گروه بدین آیین در میان آدیابنی‌ها فراهم آورده‌باشد. به هر روی برمی‌آید که هم ایزاتس و هم مادرش باوری راسخ به این دیانت جدید داشته‌اند. از آنجاکه در این دوره نه یهود توفقی در

۱. یارشاطر و دیگران، تاریخ ایران کمبریج، جلد سوم، قسمت دوم، ص ۳۴۹؛ لوی، تاریخ یهود ایران، جلد دوم، ص ۱۱۹.

2. Encyclopaedia Judaica, vol 01. Adiabene.

جهان داشتند و نه پذیرش این آیین امتیاز ویژه‌ای به آدیابن و خاندان حاکم بر آن می‌داد، می‌توان پذیرفت که یهودی شدن ایشان بیشتر بر مبنای اعتقاد قلبی بوده‌باشد تا اهداف سیاسی. هلنا در طول حیاتش به زیارت بیت‌المقدس رفت و پس از مرگ هم هر دوی آنان را در این شهر به خاک سپردند. دین یهود تا سال ۱۱۵ میلادی دین رسمی آدیابن بود؛ در این تاریخ رومیان توانستند بر این منطقه مسلط شوند، سلسله پادشاهان آدیابن را منقرض ساخته و یهودیت را از حالت دین رسمی این منطقه خارج‌سازند.^۱ ظرف قرون بعدی بیشتر جمعیت یهودی آدیابن به تدریج جذب دین مسیحیت شدند.^۲

یهودیت در میان خاندان حمیری یمن

یمن در جنوب شبه‌جزیره عربستان واقع شده‌است و از حیث آبادانی و سابقه مدنیت در این سرزمین موقعیت ویژه‌ای دارد. احتمال داده‌اند که نخستین سکونت‌گاه‌های یهودی در اوج اقتدار پادشاهی بنی‌اسرائیل در حدود سلطنت داوود در عربستان به وجود آمده و سپس با ویرانی بنای هیکل سلیمان و بیت‌المقدس به دست بختنصر و آوارگی یهودیان دسته‌هایی از آنان به این هسته‌های اولیه پناه آورده‌باشند و بدین‌سان جمعیت این مسکن افزایش یافته‌باشد.^۳ جامعه یهودی عربستان در دو نقطه این سرزمین تمرکز داشت، یکی منطقه حجاز و دیگری یمن. در حجاز یهودی بنا به سنت عمده کلنی‌های دیگر یهودی در دیگر سرزمین‌های جهان، راه انزوا و پرهیز از آمیزش با دیگر اقوام را پیش‌گرفتند، ولی یهودیان یمن راه غیرمعمول‌تری را پیش‌گرفتند و به حشر و نشر و آمیزش با غیریهودیان پرداختند. نتیجه آن‌که خاندان حمیری -که خاندان ریشه‌دار و حاکم بر سرزمین یمن بود- به این آیین تمایل پیدا کرد و به‌زودی یهودیت دین رسمی خاندان حمیری یمن شد. این رخداد در حدود ۳۸۰ میلادی رخ داده و طی آن ابوقریب حاکم حمیری، یهودیت را دین رسمی یمن اعلام نمود.^۴ پذیرش یهودیت از سوی دولت یمن در کشاکش درگیری میان ایران زرتشتی و روم مسیحی رخداد مهمی بود، چرا که ایران بر سر راه تجارت روم با شرق قرار داشت و منافع اقتصادی این کشور را تحدید می‌نمود. راه یمن-حجاز-شام راه جایگزینی بود که روم را از طریق دریا به هندوستان مربوط می‌ساخت. پیش از آن حبشه -که همسایه

۱. دانشنامه ایرانیکا، مدخل Adiabene.

2. Encyclopaedia Judaica, vol 01. Adiabene.

3. Graetz, History of Jews, Vol III: From the Revolt against the Zendik (511 CE) to the Capture of St. Jean D'Acre by the Mahometans (1291 CE) p. 56.

4. Encyclopaedia Judaica, vol.21.

دریایی یمن بود- دین مسیحی را به عنوان دین رسمی کشور پذیرفته بود و رومیان امیدوار بودند که دولت حمیری یمن هم دین آنان را بپذیرد تا بتوانند سلطه خود را بر مسیرهای تجاری عربستان بگسترند.^۱ حال گروه حمیریان به دیانت یهودی سبب نگرانی روم می شد، چرا که نظر به اختلافات ریشه دار و گذشته خونبار میان پیروان دو دین الهی یهودی و مسیحی، این دو دسته، دشمنان هم شمرده شده و یهودیان نیز در کشاکش قدرت میان ایرانیان و رومیان، ایرانیان را ترجیح می دادند، چرا که هم اصطکاک مذهبی کمتری میانشان وجود داشت و هم سابقه روابط یهودیان و ایرانیان نشان از تساهل و تسامح دیرپای ایرانی در برخورد با اقلیتها داشت. نظر به مبداء مشترک این دو دین یهودی و مسیحی، حضور یهودیان در منطقه و حساسیت یمنیها به حبشه مسیحی و سلطه جو، پذیرش این دین هم بعد سیاسی داشته است و هم اجتماعی. به هر روی یکی از این ملوک حمیری به نام یوسف ذونواس (۵۲۰-۵۳۰ میلادی) در برخورد با جمعی از به مسیحیت گروندگان منطقه نجران شدت عمل نشان داد. برخورد او با مسیحیان بهانه لازم را برای مداخله حبشه در یمن فراهم آورد و با حمله حبشیان، دولت حمیری یمن برافتاد و یمن اشغال شد.^۲ به این وقایع یمن در قرآن مجید هم اشارت رفته است.^۳ بازماندگان خاندان حمیری برای نجات از دست حبشیان به ساسانیان متوسل شدند، نتیجه آن که ایرانیان مداخله نموده و حبشیان را از یمن راندند و تا طلوع اسلام حضور ایران در یمن ادامه داشت.^۴

یهودیت در میان خزرها

خزرها قومی آلتایی، زردپوست و هم تبار با ترکان بودند. خاستگاه آنان آسیای مرکزی بوده است که سپس به سرزمینهای شمال قفقاز مهاجرت نمودند. در بحبوحه تهاجم هونها به اروپا، خزرها به اتحادیه آنان پیوستند و هنگامی که دوره اقتدار هونها به پایان رسید، خزرها خود به قدرتی غالب در منطقه شمال قفقاز و جلگه رود ولگا بدل گشته و سپس با برپایی امپراتوری خاقانات ترک غربی، خزرها تابعیت در این امپراتوری را پذیرا شدند. در میانه سده هفتم میلادی، این امپراتوری از میان رفت و از این پس خزرها به صورت دولتی مستقل درآمدند. در کشاکش دو قدرت باستانی جهان، یعنی روم و

1. Graetz, History of Jews, Vol III: From the Revolt against the Zendik (511 CE) to the Capture of St. Jean D'Acre by the Mahometans (1291 CE), p. 56.

۲. مجمل التواریخ والقصص، صص ۱۶۸-۱۷۰.

۳. قرآن مجید: ۸۵: ۴-۷.

۴. کریستنسن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۲۶۹.

ایران، خزرها جانب روم را گرفتند و متحد استراتژیک این کشور گردیدند. در دوره جنگ‌های ایران و روم در زمان خسرو پرویز، خزرها نقش مهمی را در آسیب‌رسانی به ایران ایفا کردند، آنان به قفقاز تاختند و مهم‌ترین پیروزی‌شان فتح شهر تفلیس در گرجستان بود.^۱

دین اولیه خزرها شمنیسم بود که باور مرسوم میان بسیاری از اقوام بدوی جهان به‌ویژه آسیای میانه است. حشر و نشر آنان با روم مسیحی سبب ترویج مسیحیت هم در میان آنان شده بود. ولی در قرن هشتم بود که کشور خزرستان در موقعیتی خاص قرار گرفت. امپراتوری اسلامی به قدرتی فزاینده در حال پیشرفت بود و در همسایگی خزرستان رقابت روم مسیحی با خلافت اسلامی ساختاری دوقطبی را در جهان باستان آفریده بود، بدین معنا که بیشتر امارت‌ها و کشورهای مستقل، بسته به گروه اعتقادی به تابعیت یکی از این دو ابرقدرت درمی‌آمدند. در این میان خزرها تمایل داشتند تا استقلال خویش را حفظ نمایند، پس گام راهبردی را در این میان گزینش دینی رسمی دیدند. خزرها دین یهودی را برگزیدند، چرا که اساس و نقاط مشترک بسیاری میان این دین و دودین جهانی دیگر، اسلام و مسیحیت موجود بود. در عین حال با پذیرش این دین در زیر سایه انقیاد خلیفه مسلمان و یا پاتریاک مسیحی رومی نیز قرار نمی‌گرفتند.

سابقه آشنایی خزرها به یهودیت به زمان ژوستینین (۵۲۷-۵۶۵ میلادی) بازمی‌گشت. این امپراتور روم شرقی در اقدامی، دستور اخراج یهودیان را از بیزانس صادر نمود. تعدادی از این رانده‌شدگان به خزرستان پناه‌بردند و جامعه‌ای کوچک از یهودیان را در این کشور شکل دادند. موج دوم مهاجرت آنان به زمان فتوحات اسلامی در آسیای صغیر بازمی‌گشت. پیشروی مسلمانان در این منطقه گروهی از یهودیان را واداشت تا به خزرستان بکروند. موج سوم مهاجرت یهودیان به این سرزمین هم مربوط به فشارهای مذهبی در روم شرقی به فرمان امپراتور لئون سوم (۷۱۷-۷۴۱ میلادی) بود. باری؛ به نظر می‌رسد پذیرش یهودیت از سوی خزرها اجباری نبوده‌است و بیشتر رواج آن هم در میان نخبگان و خاندان سلطنتی بوده‌باشد.^۲ ابن حوقل گزارش داده‌است که به رقم رسمی شدن یهودیت در خزرستان در زمان او هنوز اکثریت مردم این سرزمین مسیحی یا به‌گفته او بت‌پرست و کافرند. همو اشاره کرده است که به رقم پذیرش یهودیت از سوی خاندان سلطنتی، آنان همچنان به سنت‌های پیشین خود وفادارند.^۳

۱. کستلر، خزران، ۱۶-۳۲.

۲. همان، صص ۷۰-۷۶.

۳. ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل، ص ۱۳۱.

همچنین به نظر می‌رسد که ارتباط آنان با مرکز یهودیت آن زمان در عراق عرب یا بسیار اندک بوده یا اصلاً ارتباطی میانشان وجود نداشته‌است. با این وجود آنان از سوی همسایگان‌شان یهودی دانسته می‌شدند. می‌توان نتیجه‌گرفت که یهودیت روی هم‌رفته هیچ‌گاه جایگاه بلند و عمیقی در میان خزرها نیافته باشد.^۱

مهاجرت یهودیان به خزرستان آثار مثبتی به همراه داشت. اینان که در اصل شهروند روم بودند با ساکن شدن در سرزمین جدید با خود مظاهر تمدن رومی و صنعت را بردند. همچنین خزرها خط عبری را برای کتابت خود برگزیدند. در آینده که خزرستان رو به افول نهاد و قدرت اسلاوها در منطقه به قدرت برتر تبدیل شد، این خط عبری بر روی خط سیریلک (روسی) اثر گذاشت، آنچنانکه حرف سیریلیک III از حرف عبری ׀ (شین) و همچنین حرف سیریلیک II از برابر عبری اش ׀ (صادی) وام گرفته شد. خط عبری تا قرن دوازده و سیزده میلادی همچنان در میان اسلاوها رواج داشته‌است. واژگانی از این زبان در قرون یادشده بر روی سکه‌های پادشاهان لهستان حک شده‌است.^۲

از سرنوشت یهودیان خزر پس از فروپاشی این امپراتوری اطلاع دقیقی در دست نیست. به نظر می‌رسد که آنان ناچار به مهاجرت به اروپای مرکزی شده‌اند. شماری از خزرهای یهودی در قرن دهم در مجارستان اسکان یافتند. بنیامین تطیلی -جهانگرد یهودی- در سده دوازدهم میلادی از خزرهای اسکندریه و قسطنطنیه ذکری به میان می‌آورد، ولی از موطن اصلی آنان خزرستان چیزی نمی‌گوید.^۳

نتیجه‌گیری

یهودیت دینی بسته و غیر تبلیغی است. در سه موردی که از گروه غیریهودی‌تباران به این دین مورد بررسی قرار گرفت دو عامل تمایل خود افراد گرونده و تمایلات سیاسی را می‌توان مد نظر قرار داد. در هر سه مورد گروندگان به این دیانت از طبقه حاکم بودند و به تبع یا به دستور آنان بوده است که اتباعشان به این دیانت پیوستند؛ آنچنانکه با از میان رفتن حکومت آنان نیز اکثر مردمان این ناحیت‌ها این دین را رها نمودند و جز اندکی از وفاداران به دینشان باقی نماندند. در هر سه مورد میل به ایجاد الگوی دین سازمانی -مشابه دین مسیحیت در روم و دین زرتشتی در ایران ساسانی- در گزینش دین

1. Encyclopaedia Judaica. Vol.12, Khazars.

۲. کستلر، خزران، صص ۷۰-۷۶.

3. Encyclopaedia Judaica. Vol.12, Khazars.

جدید بی‌اثر نبوده‌است. همچنین نگرانی از نفوذ دینی دیگر در کشور و به تبع آن تهدید استقلال داخلی می‌توانسته در تمایل به پذیرش این دین جدید اثرگذار باشد، آنچنانکه در یمن، پذیرش مسیحیت از سوی حبشه همسایه این کشور سبب گروش تعدادی از اتباع یمن به دین مسیحی شد، ولی گرویدن دودمان حمیری تاحدودی توانست جلو نفوذ مسیحیت در این کشور را بگیرد و پذیرش احتمالی مسیحیت از سوی یمنی‌ها آنان را به‌صورت اقمار امپراتوری بیزانس درمی‌آورد. همچنین خزرها زمانی که خود را در محاصره دو قطب نیرومند اسلام و مسیحیت دیدند، تصمیم به پذیرش یهودیت به عنوان دین رسمی کشورشان گرفتند. نکته مهم البته این بود که پذیرش یهودیت آنان را وابسته یا تابع هیچ کشور نیرومندی نمی‌ساخت. در سه مورد بررسی شده، تعصب مذهبی دودمان حمیری یمن به یهودیت بیشتر بوده است، اگرچه همین عصبیت هم سبب سرنگونی یوسف ذونواس و تسلط موقتی حبشیان مسیحی بر یمن شد. در مقابل خزرها تعصب اندکی نسبت به دینشان داشته‌اند و چه بسا پذیرش دین یهودیت از سوی آنان تنها اسمی بوده‌باشد و بسیاری از سنت‌های شمنی نزد آنان زنده مانده باشد. با این همه حضور یهودیت در میان خزرها سبب‌ساز وقایع مثبتی گردید. یهودیان اولیه پناهنده به خزرستان با خود فناوری رومی و جلوه‌هایی از مدنیت را به میان این مردمان بدوی بردند. بعدها دین رسمی در گذار همین جامعه بدوی عشیره‌ای به یک کشور قانونمند مؤثر بود. با فروپاشی دولت خزرها تاچندی اثرات حضور یهودیت بر مدنیت اروپای شرقی همچنان دیده‌می‌شد.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، انتشارات اسوه.
- ابن حوقل، *سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورت الارض)*، ترجمه جعفر شعار، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶
- کریستن سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، چاپ سوم، انتشارات ساحل، ۱۳۸۲
- کستلر، آرتور، *خزران*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، چاپ اول، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱
- لوی، حبیب، *تاریخ یهود ایران*، جلد دوم، چاپ اول، تهران، کتابفروشی یهودا بروخیم، بی تا
- *مجمَل التواریخ و القصص*، تصحیح ملک الشعراء بهار، تهران، کلاله خاور، ۱۳۳۹
- یارشاطر، احسان و دیگران، *تاریخ ایران کمبریج*، جلد سوم، قسمت دوم، ترجمه حسن انوشه، تهران، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱
- Graetz, Heinrich, *History of Jews, Vol III: From the Revolt against the Zendik (511 CE) to the Capture of St. Jean D’Acre by the Mahometans (1291 CE)*, New York, Cosimo Classics, 2009,
- D. Sellwood, “Adiabene,” *Encyclopaedia Iranica*, I/5, pp. 456-459; an updated version is available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/adiabene>
- Skolnik, Bernbaum and other, *Encyclopedia Judaica*, Vols 1, 12 & 21, Second Edition, Thomson-Gale, Keter Publishing House, 2006.